

الشتهارات نقتر سلياني محموعة اعجاز عيسوي AND WAR PLANTER OF نبيرتامه ووزرحال دخلسرجين وصختانامه و نذات مر و تفاطون اسر بهي شاطل مين فيمث أيا ١٠/ محصولة اك Partyto به کے توریعین قبیت فی عبار سر محصد اوگ تعدنيسلياني بحرطلسم (و) ورباط يرسارمن تعربيت وشاجع اكل علال وصدق مقال رُك جيو أنات ويوقات اجابت وعا وفواص مورثها Dierslundsing وآن مجدد و فيع شرط المان وغيره لكمع كنه جورتيمت ووريا ب على مراحه ولذاك مرواحد سر لەملەرە رمىدىلانگ ر بى**ياض** سىلىمانى آفتاب نوم للو المريق درا وجزئيرة سويس عدا بهاليس كالف شازل قروبروج و يوم و بكارموكها كمرغرفداب عاستقدين عات وموكلات واوراه والأكار وحروف تواريك وتمش غيره تباسه بريقيت في جله و ومحصولة كل م كأشف اسرار خواب بأ متأت الصالحات FULL BUSIN speliates need فت فاعلد برمعبولا) وكرساته بالاركيين تمت في عدار وصولة اكر ال التادره 10/1/10/10 جات بر- تربيكي بن فيت ف بلهم

والتي ديدي فتدنى جلداس مصولة الكسر





مهدان با برای برای می است و به این به این می این به این می ای به این به این به این می ای به این به این می این م

در می افزایش به در می داد به می در می داد به در می داد ب

در الموادي الموادية والمدارية الموادية ~







الإيات تاديره



محصل جائدگهن کے بیائین جانا دہیئے کو ادکروالت فیانسانی م مقت بوتی بی کوروش جائد کا جار بہیئے ج_{وج} قطری قطرط اور قطر سایسے ہو ىرىيىنىدە درىراز درىيامىرى تاخىرىن سىكىزادىن ئايلىران ئايلىران ئايلىران ئايلىران ئايلىران ئايلىران ئايلىران ئىلىران ئايلى مىرىت ياند

ن بعد مساوه المساوي بين مساوه المساوه المساوم المساوه المساوه المساوه المساوه المساوه المساوم المساوم

17.20 14.20

ام وسرى عطار وسكنوا حد من جانبا بايدي مطارد ايستاه بخرانداك ا معراد بأستداد رئوس مراه بغراس ويتعنوى الكاسكونان كقعر باستخداص يت



ازی کوران در شوارد مان بیا براگرفتان سه دوگروان در بشیاری کان فرای مدن بدارگرفتاری می کوروراد مریخ برای کوران با بخدیدار در شدار کاندا مریخ براندیک و بیشه برای است بسیدی از شوای براد سکونی است کوران مریخ براندیک و بیشه برای است بسیدی از شوای براد سکونیک



الله و المساول و المساول و المساول ال



المراحتين ا

من المراقع المواقع الم المراقع المواقع الموا



هد غربین سر کساسان که می اندر باشد رایس می مانا میده بازد. زره این میرو که در این ما در این می از در این می از این می در در در این از استامی می در این می از این می می از این م الاستان به وسطان خدویت از شوان در این سودی به استان به از این سودی بیشتان به از این سودی بیشتان با از این سودی بیشتان بیشتان به بیشتان بیشتان

المدينة من المراج ا مناورة من من المراج الم

نتها کورشه ندان دیدا به گذارید ان حادر داریان درخوانهای عدم شدانگذ بالآی فرانسیزید ان دارسید در در بداشد در کارد تکران در در ناز دارشد است. با در دارین از این ارزشد دارش شده سیام واردشوا مفدر در نوازگذاری به در توکه بالایداد کرد. نام مرتزش مه ترا در مرکزی این گرفت مرتز در تعالی يتادبه ١٢

يروشورل كالاروية وقال المنظم والواقع المتناء أوروث بران الإسلام المنظمة وينا (كرورد فقرق مصلام موادر وقد من توجه ميكرستد بزري الإسلام) ويا في عادد وعد من مثل معالم المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة تصرائعان وما تقدم من المنظم بنها ويستان كالانتهاب الإنتان الإنتان المنظمة



فعد ما تعديم سوي موجه مع من بين مديا به ميشام مديا استأليات المرابط المرابط المرابط المرابط المرابط المرابط ا مدين المرابط ا 110

محليات ما وروا

گروین دکون کا درگوشید به انگاه در نا سویه کوییند ترکه میشیدگذا ندونوده نده می در میتونو ترمیش رکاه در دا در مصرفه خواهد نیکاند. نیخ دا مداده بازگراه نیزگا در مدارک ندر میداند. در این در نسبت میداند می میشد نده با میداند. مکاری در جدوران مدارکی میاشد میداند میداند. می میشید تا میشید، در این میشید، در این کامیشید، در این کامیشید،



ر المدينة المدي المدينة المد

5.260



أيوان رغول نوسونكه بزوستاريز

الما منان من بيان كل إرومي أسمان كالبياء إنته من بيان كل إرومي أسمان كالبياء إنته من المائي المناس المائي المناس المائي المناس المائي المناس المناس





ورو بجروره و المنابخ المرابع المنابع ا





دون الغريب برا دون المعالم المعالم





اصوا وسکی ته کر

ماينده مايند بالكري كان ماينده تداكرينا مايندگان آن ما داكرده مي المودرگان او الدور كارده مي ماينده ماينده الارسي كه ميدود كار نور ماينده كارد مي اماينده كارد مي المودرگان تعديم مدين كارد مي ماينده كارد مي ماينده كارد مي المودرگان از است امادرد الميكند كارد

هم من او المورد بالا تركيد كه والمدارة بالمورد المورد المورد المورد المورد المورد المورد المورد المورد المورد كما ومن المورد ال

ر با روی به کانتیج به این به به به داد با سال به ماه این بینی هم این بین هم این هم این هم این هم هم هم هم هم ا به این به کار به در است می این به بین به بین به بین به بین به بین به در است با از در است به بین به بی به بین به بی

الرمان المعالمية المحافظ المستوانية المستوانية المستوانية المستوانية المحافظ المستوانية المحافظ المستوانية الم المستوانية المستوان

بار ما بازد در این که این داد که در خود بازد با نیز هم می خود هستان از ما در این می خود هستان از می خود بازد این ما در این ما در این می خود بازد این می خود ب

دیات نادره نگیب کفته مین اودگر درسیان دوستها دامه بردیم برج از مرکز در مین اصل درات از اکتران در در در



به مان الوكورية من ما يقداد فوجه من مديا لذك يرق من العابق الأنافة المرافع المستوارة المواقع المواقع المواقع ا من من المواقع الوكورية ومن المواقع الم ومن المواقع الم ولإ





۳۸ إدريونس بنزوة فاكومغيوستناركا أفته ويكا لأقير بالقينة اورسونا لطفطنا وغره اوره أفتأنه أكروه أحد بيجاد يستنا هارسره يبيعنا مديته ولامت وبودرهجاه

وشمشاه در رسونبان جبت وشوت وحبث وكالزنير بونا دفوع شناره ماستاك بعث متنا تناورزبادتي معاش رزق دغره ستباره عطازة وركا تؤثين إره ورونئ لينة ميدوجون وفووستكاه

ومنتزوز ستاره زبرومسوم استاؤ كيجهره

74

فليات يمون

بدورف بر المارت المدورة المدورة في المدورة المدورة المدورة المدورة المدورة المدورة المدورة المدورة المدورة الم المرورة المرورة المرورة المدورة المدور

------..... ----.... فاؤسوم ********* ********* ****

الليات كاوده خاءُ چھارم فائزاول

.....

تاكين أ = ا + = +1 ± = الاسودو 土主 ورنوننا ا : فتيه أن لظاتر موكي واور انظامقا باي اورسا وتدويخانياء آم

ووكامهياء

الإعتادة ٢٩

سبيعها بدوار بيدور كي يودور وي دودرود به يدا والهدي با التواد أن التعامل المواد الفاظ المواد المواد المواد المواد المواد الما تعامل المواد المواد ا مع ويروي بها يعيضا سال معاملة على مواد فروي المواد الموا

رشان ماه به بادرگذار کدور کار با مدور و کندگرید و سنو بادد در نیستیا این میزان نام به می با در این می بادر با در این می این با در در این این این این می این می این می این می این می به می بادر این می بادر این می این بدر بادر می این می بدر بادر می این این می این این می این می این ای

يها والديكان على إلى الدينة والمواقعة منا والمواقعة والمواقعة المواقعة والمواقعة والمواقعة والمواقعة والمواقعة والمواقعة بين الله يما والمواقعة المؤاقعة في المواقعة والمواقعة ر المعالمية الم

را بین در به می در این می در ای به می در این در این می در این به می در این می در ای



والمرادس وإنكاكر فمأته

ولايت كاماره

المنز كيباه فيؤمن أكر

ينزون دروعارون كوصلالان تامي كرامي كاجع وة لهرن تكترك تكوروندي ك ة وكامرت خان كرى تزريست *من فركيسك* اومواً لايكمنه بنائرا ورأون وزون ادبر كون فرفيون كومك الأاثاسا تذوذن دواسكرس نخادسوقت بردوزا كميغومهم ليضك مرضع إنزنا وزن وواحيا رمامشدا ورآثما ابك مامشد بجائسة صبوقت كروفرك وواساعة عا رصيكنايده أسانت مواجه ما راشددا ورابك اشاراً ارجا يروت من م لمنشآ بالوادر وولمنشفون كمري ورميار باشدوا الضير جوزون مخيران كوكملاأوا

10.00 مين آلزاليري إترن

۴۳۰ پادسکادا ساقدریشون و دناغیراشیا به بین سه درسیده م میس بدانوانشی شور کاروره فردرسیونستواند بیشان میسویسا میرد بداد و ای واصفه میرایسیان

ان پی سویس میں بیون و اور دیستان میں میں ان میں میں بھی ہوئیں۔ با خرید شدہ ادر کیا دیا ہو اور جائے خرارال سیکھٹی ہے دوران کیسکے کھوڑی بے اگرے تھا کہ میں میں میں اور اور ان کا برای ک با اور دوران و تعدید میں کا میں کا میں کا برای اسکان کر شروع کا میں کا ان کا برای کا برای کا برای کا برای کا ب

الليا عنادرو

ા કેટલું દિવસિંહ કેટલું કે કેટલું કેટલુ કેટલું કેટલુ કેટલું કેટલુ JAN STANKE

مادى سعى مفرط رسن اوراً أرد كوننيك وخار مين بيم

۷۵ دنشاراد کے کے میرقت کھائزی بربرسالان کے تاہواز می^{نی} شکستان نونگر ماکا خدمار اور دکا میٹائر کر کرک

ه روسه اروی به در کردارس به ایران کا کارگری و روستان با در ایران تا به در ایران و به در ایران و به در ایران و که در تروی به در موسوم توسیل به در ایران می و در ساله می ایران به به در ایران به در ایران به به در ایر

كليات كاوره

روز در دوم در آن النظوة الرحاس في الدوانية والدوانية والمواقع المواقع المؤافئة المؤافئة المؤافئة المؤافئة المؤ ما الادواني سدد في ما أن الدوانية المؤافئة الدوانية المؤافئة والمؤافئة المؤافئة المؤافة المؤافئة المؤافة المؤافئة ال

به المدينة بداره في التنافظ على بالمدينة التنافظ المدينة بالمدينة التنافظ المدينة المدينة المدينة المدينة الم المدينة المدينة

الليات لاسده ومين يناكراس مقدمه ين الحرفران كي الشرحب أربيا

الليات كاررا ة نين برأي اورط انها والإنكاة كان بكر مروف كتين مرد فديحساب الحدمات لمارت

ت زعزان اوركاب لاكرادرية تاريف كي سائة منوارزق والزروت كامول

وكادرنام يناعبدالاحدثبات فأمديكم

الباشنودو

۵.

۵۱ د تناکرده مواشاه پسوتستان ادمال مکاری گذری کرد)

را و دارگاری و خراب را بدر این این وازن به تصافه بین تاثیر و این هم از این می از این می از این می از این می از مهم از این می از این این می از این می این می از این این می این می از ای

ر بر با ب بر با ين

علياتناده 20

وتت كام بثبان م

١ الميات اوره

براكم كرلى بقدر و دوانگ و يعز توثى برى ادسى د بدكى يج فرن آدى تساور كا

الإناده

نابنا وساوري وإغ كويسه كركع اورزم ويجاوئ

شهوعا ائن اوسوقت آوميون كود ككفا وو كليفرواس لحيرت

مخليات لأدره

746 فشك كروونيا وسيكرسياه فاهرموانا اور

وتسياوتها فاسكسطاورا وسكا فلاكواك برفرصات اوتكافا

4. زباده مرام إوراوسميو 41

للدكنتي وإدريشيركول نشأن نوست اورا فلاس كابراورا فكواس مورازي فلآ

44 لاست اخلاق جميده اورعا ولؤن!

حليات نادره 41

إلى وسيعيكون علامت شحاء مهربار كمضان سبارىء لإباث موسب ره کادروی مترسط بست زم دلیل نوبی ظامری د وعابسانصه

46

مزيت تارو ورمال إدريكم يحيك وليا تالت اوالاوا ورم متحضر بكراكبيكر

اديرفكراعضات تناسل كم مناسبته

ناوي مني أكن فكرارك

ي وم

array.

71

المياسية ال

بدل گه سکر لملاکرو مورت مفتون بهوجای فوعد پگریال سرّا دمی کرد فرف

أزسرةزاة

٤٠

المدان كاور

41 هرشدوروج و

الما والموجود الموجود الموجود

ه المستوانية المستوان

المن بالدراء من كولاا الدراء يقد من الإسافة شده المنظمة المناوية المنظمة المن

44 Single of the state of the s

میدندن در نطوخ باطرواریفوزین به کهای زمستان کشار از داریک کانتی برخ ا در میرای در خداری از میران کارسان استان کارسان مزبل این بازیکان بازیکان بازیکان در میرای برزود و از بازوزین بین میران بازیکانی در این بازیکانی این میران برایک این این میران این این این این م

44

الماشئادره

رماشة إن ي

كلباشتادره

44

الهاري كالأخطار المؤلفين المؤ

احق تالىغايى خازى كون مدا مى عنظالات كالموارية والكون تعام كالفاري

